

بنام خدا

تاریخ: ۲۷ فروردین ۱۳۹۵

چرا حافظ نیا از کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی استعفا داد؟

(رنج نامه جدالی بی سرانجام با یک سیاست در حوزه علم).

بدنبال انتشار شایعاتی در روزهای اخیر مبنی بر انجام تغییرات و یا ادغام رشته های علوم جغرافیایی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برخی از دانشجویان و اساتید محترم این رشته از اینجانب در این باره می پرسند. از آنجائیکه بنده از کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی استعفا داده و هیچ اطلاعی از این بابت ندارم، بنابراین ضمن عذرخواهی و ابراز اینکه پاسخی برای این عزیزان ندارم، بناچار گزارشی از علت واقعی استعفای خود از کمیته برنامه ریزی را جهت اطلاع علاقمندان به شرح زیر بیان می کنم.

بعد از فوت استاد بزرگوار مرحوم دکتر حسین شکویی که رئیس کمیته برنامه ریزی جغرافیا در وزارت علوم بودند، معاون آموزشی وقت وزارت علوم، یعنی جناب آقای دکتر خالقی از اینجانب خواستند مسئولیت کمیته مزبور را بعهده بگیرم. اینجانب نیز با توجه به ارادتی که به ایشان داشتم این پیشنهاد را پذیرفتم. در نتیجه کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی با عضویت اساتید برجسته و ارجمند کار خود را ادامه داد و با تلاش فراوان و بدون چشم داشت، نسبت به بازنگری و بروز رسانی کلیه برنامه های آموزشی گذشته و نیز طراحی و تدوین تعدادی رشته تخصصی جدید در مقاطع مختلف تحصیلی علوم جغرافیایی اقدام کرد. در این راستا علی رغم تغییر دولتها و وزرا، ماموریت اعضای کمیته برنامه ریزی تمدید شد و اعضای محترم کمیته و کمیسیونهای تخصصی آن با علاقه و ایثار مثال زدنی همکاری خود را با وزارت علوم ادامه دادند. مقامات و کارشناسان محترم در حوزه معاونت آموزشی وزارت علوم نیز با درک واقع بینانه از تلاشهای اعضای محترم کمیته برنامه ریزی، نهایت همکاری و همراهی با کمیته را داشتند، بطوریکه باعث دلگرمی و تلاش بیشتر آنان می شد.

با روی کار آمدن دولت جناب آقای دکتر روحانی و تغییر وزیر علوم، بنده از مدیرکل برنامه ریزی جدید وزارت علوم، جناب آقای دکتر نوه ابراهیم، خواستم فرد دیگری را برای اداره کمیته برنامه ریزی تعیین کند. ایشان قبول نکرد و اصرار کرد که من کماکان کمیته برنامه ریزی را اداره کنم و من نیز پذیرفتم و کارم را ادامه دادم. ولی بتدریج ایشان سیاست تجمیع رشته ها را مطرح نمود و از کمیته خواست تا رشته های علوم جغرافیایی را در هم ادغام نماید و در سطح کارشناسی به یک رشته تحت عنوان " جغرافیا " تقلیل دهد. من همان ابتدا غیر ممکن بودن آنرا یادآور شدم و مخالفت خود را با آن اعلام کردم. در عین حال گفتم باید نظر اعضای کمیته برنامه ریزی را بگیرم. سپس بنده موضوع را در کمیته برنامه ریزی مطرح کردم. اعضای کمیته با رای قاطع مخالفت خود را با ادغام رشته های علوم جغرافیایی و تبدیل آنها به یک رشته را اعلام کرد.

البته نظر و مصوبه کمیته برنامه ریزی مطلوب آقای دکتر نوه ابراهیم، مدیر کل برنامه ریزی نبود و ایشان مصر بودند که موضوع ادغام و تجمیع رشته ها، مورد نظر وزیر علوم است و این نیز سیاست رسمی وزارت علوم می باشد و کمیته برنامه ریزی باید آنرا اجرا نماید؟! در حالیکه کمیته برنامه ریزی این خواسته را مغایر پیشرفت علمی و توسعه تخصصی در کشور و نیز عملا غیر قابل اجرا می دانست. بنا براین موضوع طرح تجمیع و ادغام رشته ها، به مسئله مورد مناقشه بین کمیته برنامه ریزی و مدیر کل دفتر برنامه ریزی طی دو سال گذشته تبدیل شد. بطوریکه وقت اکثر جلسات عادی کمیته برنامه ریزی و نیز اجلاسهای مشترک کمیته برنامه ریزی در چمخاله گیلان (سال ۱۳۹۳) و نیز در دانشگاه تبریز (سال ۱۳۹۴) به بحث در باره آن اختصاص پیدا می کرد.

بنده در جلسات متعدد با آقای دکتر نوه ابراهیم و نیز کمیسیونهای مربوطه در وزارت علوم، موضوع را مطرح می کردم، ولی همیشه با یک پاسخ روبرو می شدم که این سیاست وزارت علوم و خواسته وزیر علوم است؟. لذا بنده و اعضای محترم کمیته برنامه ریزی تصمیم گرفتیم موضوع را با معاون محترم آموزشی و حتی خود وزیر محترم علوم مطرح کنیم.

تا اینکه جناب آقای دکتر فرهادی به عنوان وزیر علوم انتخاب شد. ما امیدوار شدیم که ایشان نسبت به موضوع برخوردی منطقی و علمی خواهد داشت. لذا اعضای کمیته برنامه ریزی طی نامه ای در تیرماه ۱۳۹۴ از ایشان خواستند سیاست تجمیع رشته ها را مورد تجدید نظر و یا توقف قرار داده و در فرایند برنامه ریزی به نظر اساتید عضو کمیته برنامه ریزی و کمیسیونهای مربوطه توجه کنند. هر چند ایشان نامه را با دستور **"برای بررسی و توجه جدی به پیشنهادها"** به معاون آموزشی خود ارجاع داده بود، ولی نتیجه ای از دستور مزبور حاصل نشد؟.

البته بنده موضوع را با جدیت تمام پیگیری می کردم ولی نتیجه ای نگرفتم. در حالیکه آقای دکتر نوه ابراهیم، مدیر کل دفتر برنامه ریزی همچنان اصرار بر تجمیع و ادغام رشته های علوم جغرافیایی برای کنکور سراسری امسال (۱۳۹۵) داشت، و موضوع را نیز به کمیسیون برنامه ریزی وابسته به شورای عالی برنامه ریزی کشاند. بنده به همراه جناب آقای دکتر احمدی دبیر محترم کمیته برنامه ریزی همراه با اسناد و مدارک در جلسه مزبور شرکت کردم و با ارائه گزارشی از وضع رشته های علوم جغرافیایی در دانشگاه های جهان، پیشینه جغرافیا در ایران و اینکه رشته های متعددی در دانشگاه های ایران از قبل از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۱) تا کنون وجود داشته است، ارائه صورتجلسه حدود ۲۰۰ نفر از اساتید علوم جغرافیایی دانشگاه های کشور در اجلاس دانشگاه تبریز (شهریور ۱۳۹۴) مبنی بر ابقای تنوع رشته ها و غیر آن، و نیز ارائه استدلالهای لازم، و بیان عوارض منفی طرح تجمیع رشته ها برای آینده علمی کشور، از کمیسیون خواستیم که در حوزه علوم جغرافیایی از تجمیع رشته ها صرف نظر کنند و بر بقای ۷ رشته موجود آن موافقت کنند.

علی رغم این، باز هم آقای دکتر نوه ابراهیم مدیر کل برنامه ریزی، اصرار بر اجرای طرح تجمیع داشت. من از ایشان خواستم با توجه به رای کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی اجازه دهند دانشگاهها در چارچوب بخشنامه جدید تفویض اختیار وزارت علوم. به آنها اقدام مقتضی را انجام دهند. ولی ایشان بدنبال جلسه کمیسیون برنامه ریزی اخیر خود، تاکید داشت در جلسه آتی شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم شرکت کنم تا در آنجا تکلیف تجمیع رشته های علوم جغرافیایی قطعی شود. من از این درخواست طفره رفتم و تصمیم گرفتم موضوع را با جناب آقای دکتر شریعتی معاون محترم آموزشی وزیر علوم مطرح کنم. از ایشان وقت گرفتم و مشکل را مطرح کردم، ایشان برخورد مثبتی داشت و قول مساعد داد که برای حل مشکل همراهی کند و من امیدوار شدم. ولی نتیجه روشنی حاصل نشد؟.

بعدا برایم مشخص شد که درب بر روی یک پاشنه می چرخد، و آن نظر و اصرار آقای دکتر نوه ابراهیم به عنوان مدیر کل برنامه ریزی آموزش عالی بود که بر اجرای طرح ادغام رشته های علوم جغرافیایی به عنوان خواسته وزیر محترم علوم تاکید داشت، و به رای و نظر اعضای کمیته برنامه ریزی و نیز نظر مکتوب حدود ۲۰۰ نفر از اساتید جغرافیا از دانشگاه های سراسر کشور اهمیتی نمی داد؟.

بنابراین من ناچار شدم برای حل مشکل مزبور، از مسیر های دیگری استفاده کنم. از جمله اینکه موضوع را با شخص آقای دکتر فرهادی وزیر محترم علوم در میان بگذارم و در ملاقات حضوری با ایشان مذاکره کنم. در این راستا نامه ای مکتوب برای ایشان در تاریخ ۲۷ آذر ۹۴ فرستادم و ثبت دبیر خانه وزارت علوم کردم و بدنبال آن تقاضای ملاقات نمودم، ولی نتیجه ای حاصل نشد؟

علی رغم اینها، من مایوس نشدم و از کانال دوستان مشترک اقدام کردم تا شاید بتوانم از طریق آنها موضوع آسیب پذیر شدن بنیه علمی و تخصصی کشور در آینده ناشی از سیاست تجمیع رشته های دانشگاهی را با وزیر محترم علوم مطرح و تقاضا کنم این مشکل را حل کنند.

برای این کار اقدامات زیر را انجام دادم:

۱- ملاقات با آقای دکتر تسلیمی قائم مقام محترم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و طرح مسئله با ایشان که برخوردی مثبت داشتند، ولی نتیجه ای حاصل نشد؟.

۲- تماس و طرح مسئله با جناب آقای ابوترابی نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، که ایشان قول دادند موضوع را با معاون آموزشی وزیر علوم مطرح کنند.

۳- تنظیم و ارسال متن پیامی کوتاه مبنی بر نگرانی خود از عوارض منفی طرح تجمیع رشته های دانشگاهی برای آینده علمی کشور و نیز درخواست مطرح کردن آن با آقای دکتر فرهادی وزیر علوم توسط آنان، هر چند آنان مسئولیت و تکلیفی در این باره نداشتند. ولی از سر ناچاری متن مزبور را برای برخی دوستان جغرافیدان مرتبط، نظیر جناب آقای دکتر رحمانی وزیر محترم کشور، جناب آقای دکتر قالیباف شهردار محترم تهران، جناب آقای دکتر اخباری رئیس محترم دانشگاه علمی-کاربردی، جناب آقای دکتر اطاعت و غیره ارسال کردم. همچنین متن مزبور را برای برخی از دوستان مشترک نظیر جناب آقای دکتر فانی وزیر محترم آموزش و پرورش، آقایان دکتر تقی خانی و دکتر پور فتح الله از دوستان نزدیک آقای دکتر فرهادی، و نیز آقای دکتر هاشمی معاون محترم فرهنگی وزیر علوم فرستادم و خواستم مساعدت نمایند. ولی واکنش و اقدامی از طرف آنان را شاهد نبودم؟. تنها جناب آقای دکتر اطاعت موضوع را با آقای دکتر فریدون مدیر کل محترم دفتر وزیر علوم که گویا نسبت نزدیکی هم با جناب آقای دکتر روحانی رئیس محترم جمهور دارند مطرح کرد و امکان تماس تلفنی را فراهم کرد که از ایشان تشکر می کنم. منم با ناراحتی و گله از وضع برخورد مسئولین وزارت علوم در این رابطه، از جمله خود آقای دکتر فریدون و عدم پاسخگویی به مکاتبات و خواستها، صحبت کردم. ایشان قول داد موضوع را پیگیری و تا فردا نتیجه را به من اعلام کند. البته تا کنون از ایشان نیز خبری نشده است؟.

۴- رفتن به کلینیک بیمارستان رسول اکرم(ص) برای معاینه گوشم توسط آقای دکتر فرهادی، و نیز با این امید که ایشان را آنجا ببینم و مسئله را مطرح کنم. ولی گفتند از زمانی که آقای دکتر فرهادی وزیر علوم شده اند به اینجا نمی آیند. با توجه به موارد فوق به نتایج زیر رسیدم:

الف: وجود بی ثباتی در سیاستهای وزارتخانه ها و نهادهای دولتی ایران ناشی از تغییر وزرا.

ب: ملزم نبودن وزیر و زیر مجموعه های ایشان به پاسخ دادن و یا توجه به درخواست ها.

ج: اصالت نداشتن خرد جمعی در اتخاذ سیاستهای علمی و آموزشی و یا ابراز منطق اقناع کننده .

د: اهمیت ندادن به نظرات متخصصین، و نتیجتاً نوعی بیحرمتی به نخبگان علمی جامعه.

ه: تخریب سلیقه ای برنامه های آموزش عالی که برای تهیه و تصویب آنها انرژی فراوانی مصرف شده است.

و: قائل نبودن ارزش برای زحمات اساتید و افرادی که صادقانه و بدون چشم داشت کار می کنند.

ز: فقدان حساسیت در دوستانی که از آنان توقع توجه می رفت.

ح: و در یک عبارت " روبرو شدن با بن بست و ناامیدی از همه جا و همه کس در این باره " !؟

این بود قصه استعفای من از کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، که البته هنوز هم معاونت محترم آموزشی وزارت علوم واکنشی نسبت به آن از خود نشان نداده است.

با تشکر از همه اعضای محترم کمیته برنامه ریزی و اساتید و دانشجویان محترم علوم جغرافیایی- حافظ نیا